

شخصیت‌شناسی معنوی و عبادی امام رضا (ع):

به عنوان پیش‌درآمد، در مقام بازشناسی شخصیت عبادی امام و به عنوان یکی از جامع‌ترین روش‌ها، که هم بیان‌گر شخصیت‌شناسی عبادی امام و هم بیان‌گر نمودهای تاریخی ایشان است، می‌توان به بازشناسی القاب امام توجه کرد.

گونه شناسی القاب امام رضا (ع): ¹	
القاب عبادی - معنوی	الراضی الی الله، الراضی بالقدر و القضاء، الرضا، سراج‌الله
القاب اخلاق فردی	الصدیق، الصابر، الفاضل، الوفی، عالم آل محمد، شمس الشموس
القاب سیرت اجتماعی	معین الضعفاء، قره عین المؤمنین، ضامن الامه، کافی الخلق، انیس النفوس، غیظ الملحدین، الداعی الی الله

در میان القاب امام هشتم، «رضا»، مشهورترین لقب آن حضرت است. در باره‌ی منشأ انتساب این لقب به آن حضرت، برخی گمان کرده‌اند این لقب را مأمون پس از آغاز ولایت‌عهدی به امام داد تا شعار تاریخی «الرضا من آل محمد» را بر ایشان تطبیق دهد و فتنه‌های حکومتش را بخواباند. این در حالی است که جامعه‌ی شیعه از آغاز امامت و تحت تأثیر فرهنگی که از امام کاظم (ع) آموخته بودند، آن حضرت را به لقب «رضا» می‌شناخت.

¹. بحار الانوار، ج 49، باب 1: ولادته و القابه و کناه و نقش خاتمه و احوال امه صلوات الله علیه.

بزنطی به امام جواد (ع) عرض کرد: گروهی از مخالفان شما گمان می‌کنند که لقب «رضا» را مأمون به پدر شما داد. امام جواد (ع) فرمودند: این کذب است. این لقب را خداوند به ایشان داده بود، به سبب این که ایشان پسندیده‌ی خداوند در آسمان و پسندیده‌ی رسول خدا و امامان در روی زمین بود، چنان که موافقان و مخالفان هم از او خوشنود بودند.²

می‌توان حدس زد که: مأمون پس از ولایت‌عهدی، با شیطنت قصد داشته لقب عبادی، اخلاقی و سیاسی مشهور آن حضرت را، که در برابر طیف‌های گوناگون باطل قرار داشته و هم‌چنین دارای بار و معنایی سیاسی علیه خلافت بوده، با سوء استفاده‌ی سیاسی - تاریخی، تبدیل به مؤید و امضایی برای خلافت عباسی کند؛ چرا که شعار «الرّضا من آل محمّد» از اواخر خلافت مروانیان، تبدیل به شعاری سیاسی شده بود که عباسیان با بزرگ‌نمایی و تحریف آن، خلافت را به دست گرفتند؛ ولی چون خلافت آن‌ها به مسیر باطل رفت، زیدیه این شعار را مبنای قیام‌های خود قرار دادند.

در برابر هر دو حکومت مروانیان و عباسیان، مدیریت غیبی - تاریخی معصومان قرار داشت؛ مدیریت غیبی که از احادیث و فرمایش‌های پیامبر (ص) اسلام شروع شده است. پیشینه و ریشه‌ی لقب «رضا» برای امام هشتم نیز، از آن جا آغاز و امامان، و به ویژه امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) هم، بر آن تأکید فراوان کرده‌اند. معنی این مطلب این است که: معصومان با آگاهی‌های غیبی آینده‌نگر خود، می‌دانسته‌اند پس از گذشت نیم قرن از خلافت عباسی، حقیقت باطل آن بر همگان آشکار می‌گردد و هم‌چنین، صادق نبودن جریان زیدیه هم مشخص خواهد شد؛ در نتیجه: در این زمان، هم عباسیان و هم علویان زیدی، در مقابل شعار «الرّضا من آل محمّد» خلع سلاح خواهند گردید؛ چرا که اصولاً، یا تعریفی درست و روشن از این شعار ندارند (همانند عباسیان) و یا این که مصداق مشخص و جامعی برای آن ندارند (همانند زیدیه). بنا بر این، در این وضع خلأ و حیرت و آشفتگی، لقب «رضا» تنها برای امام هشتم شیعیان صدق می‌کند و ایشان، مصدق «رضا» را در جریان امامت و در الگویی تاریخی تعریف خواهد کرد تا لقب و صفت «الرّضا» را در سطوح گوناگون رضایت الهی تا رضایت پیامبر (ص) و رضایت دوست و دشمن، با سیرت و اخلاق خود نشان دهد.

². بحار الانوار، ج 4، ص 46.

گزارش های تاریخی از سیره عبادی امام رضا (ع)	
نماز	<ul style="list-style-type: none"> - در طول سفر به خراسان، فرمانده مأمور آوردن حضرت، او را کثیرالصلوة توصیف کرده است. - در مدت اقامت در خراسان، نمازهای او را یادآور نمازهای پیامبر (ص) توصیف کرده‌اند. - مدتی که در سرخس زندانی شد، زندانبانان، امام را به کثرت نماز ستوده‌اند.
قرآن	<ul style="list-style-type: none"> - ابراهیم ابن عباس می‌گوید: تمام سخنان و جواب و مثال‌های آن حضرت از قرآن بود و در هر سه روز، یک بار قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: اگر می‌خواستم می‌توانستم قرآن را در کم‌تر از سه روز ختم کنم؛ و لیکن من هرگز به آیه‌ای نگزاشتم، مگر آن که در باره‌ی آن آیه و این که در باره‌ی چه چیز و چه وقت نازل شده است، می‌اندیشم. - در طول سفر به خراسان، شب‌ها در بستر خواب زیاد قرآن می‌خواند و هر گاه به آیات بهشت و جهنم می‌رسید، گریان می‌شد و از خدا طلب بهشت و نجات از جهنم را داشت.
روزه	امام در طول سفر به خراسان، هر گاه بیش از ده روز در جایی می‌ماند، روزه می‌گرفت.
مسجد	امام در مدینه، به غیر از برنامه‌های عبادی خود، در مسجد پیامبر (ص) می‌نشت تا محلّ مراجعه‌ی علما و مردم در مسائل علمی باشد.
حج	به جز زمانی که در سفر خراسان بود، هر سال به سفر حج می‌رفت.
دعا	فراوانی دعاهای رسیده از امام برای حاجت‌ها و حالت‌ها و اوقات عبادی و نمازها، نشان‌گر انس ویژه‌ی امام با دعا است.

در همین زمینه، سخن رجاء ابن ابی ضحاک، فرمانده نیروهایی که مأمور آوردن امام به خراسان بود، شاید جامع‌ترین توصیف از شخصیت عبادی و معنوی امام، در کنار معرفی تأثیرات اجتماعی حضور ایشان باشد. او پس از بازگشت به مرو، به مأمون چنین گزارش داده است: به خدا قسم، من مردی متقی‌تر از او ندیدم. او کسی است که در همه‌ی اوقاتش به یاد خدا بود و ندیدم کسی را که بیش از او از خدا بترسد. هر گاه صبح می‌شد، نماز صبح را به جای می‌آورد و پس از آن، به ذکر و عبادت مشغول می‌شد تا طلوع آفتاب، پس سر به سجده می‌گذاشت تا روز بالا می‌آمد. در این هنگام مردم را می‌پذیرفت و با آن‌ها حدیث و موعظه می‌فرمود تا نزدیک زوال ظهر. پس تجدید وضو می‌کرد و آماده‌ی مناسک ظهر و عصر خود می‌شد ... و بیش‌تر وقت بین نماز عصر تا مغرب را به تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می‌پرداخت. پس از مغرب و اقامه‌ی نمازهای مغرب و عشا، همراه با تعقیب‌های فراوان، به صرف شام می‌پرداخت و سپس استراحت می‌کرد تا ثلث آخر شب فرارسد؛ پس در آن هنگام برمی‌خاست و به اقامه‌ی نماز شب می‌پرداخت و در بین آن، نماز جعفر را می‌خواند. سپس فراوان استغفار می‌کرد و قرآن می‌خواند تا وقت نماز صبح شود و ...^۳

این توصیف فرمانده جبهه‌ی سیاه از سیر و سلوک عبادی امام، تنها توصیفی از عبادت‌های امام نیست؛ بلکه در ضمن آن، توصیفی از تأثیرات اجتماعی حضور امام و عبادات ایشان نیز هست. تأثیرات سیاسی - اجتماعی سیره‌ی عبادی امام را، به مراحل و مباحث بعد، خصوصاً به فصل ویژه‌ی ولایت‌عهدی ایشان واگذار می‌کنیم و در این جا فقط به این نکته اشاره می‌شود که: در مورد سیره‌ی عبادی و معنوی آن حضرت، آن جا که کارکردی اجتماعی می‌یافت؛ (همانند برگزاری نماز عید)، امام پیش‌شرطی داشت و آن اقامه‌ی نماز بر سیرت و سنت پیامبر (ص) بود. این سخن بدین معنا است که: در جامعه‌ی اسلامی آن روز، همانند آن چه امروزه مشاهده می‌شود، سیرت و سنت عبادی و معنوی در سراسر جهان اسلام، به ویژه در طبقه‌ی علما و زهاد، شیوه‌های گوناگون و فراوانی داشته است و در آن عبادت‌ها و عبودیت‌ها، شاید چندان نشانی از سیرت و سنت عبادی پیامبر (ص) یافت نمی‌شد.

^۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۷۸.